



قبل از تقریر کلام مرحوم بجنوردی لازم است توجه کنیم که تفاوت نظر امام با مرحوم ایروانی و صاحب دراسات در چیست؟

امام می فرمایند که تعاون شامل ۳ جا می شود:

- (۱) زید به عمرو کمک کند در کار الف
 عمرو به زید کمک کند در کار الف
- (۲) زید به عمرو کمک کند در کار ب
 عمرو به زید کمک کند در کار ب
- (۳) تنها زید به عمرو کمک کند در کار الف

مرحوم ایروانی تنها فرض اول را تعاون می دانست.

مرحوم بجنوردی می گویند معنی تعاون شامل فرض (۱) و (۲) می شود ولی چون خطاب آیه به همه جامعه اسلامی است لذا فرض (۳) هم مشمول آیه می شود چراکه اگر به همه جامعه اسلامی توجه کنیم بالاخره زید به عمرو کمک می کند در کار الف و بکر به خالد کمک می کند در کار ب و هند به زید کمک می کند در کار ج و .. ایشان می نویسند:

«و لكن أنت خبير بأن أمره تبارك و تعالی بالتعاون على البرّ و التقوی، و كذلك نهيه عن التعاون على الإثم و العدوان ليس باعتبار فعل واحد و قضیة واحدة و فی واقعة واحدة، بل الخطاب إلى عموم المؤمنین و المسلمین بأن یكون كل واحد منهم عوناً للآخر فی البرّ و التقوی، و لا یكون عوناً لأحد فی الإثم و العدوان. و بعبارة أخرى: إطلاق لفظ «التعاون» باعتبار مجموع القضايا، لا باعتبار قضیة واحدة و فعل واحد، فلو كان مثلاً زید عوناً لعمرو فی الفعل الفلانی و كان عمرو عوناً لزید فی فعل آخر یصدق أنّهما تعاونوا، أي أعان كل واحد منهما الآخر.»^۱

ما می گوئیم:

ظاهراً در فهم معنی تعاون حق با مرحوم ایروانی است و باید آنچه هر دو طرف عون در آن هستند، یک کار واحد باشد و لذا اگر زید به عمرو در الف کمک می کند و عمرو به زید در کار ب و در عین حال الف و ب هر دو خیر هستند، باز تعاون در خیر صدق نمی کند. بلکه تعاون در جایی است که یک عمل خیر و یک مصداق خیر در میان است و لذاست که توجه به مجموع جامعه اسلامی هم راهگشای مقصود نیست.

جمع بندی:

اگر سخن امام درباره اینکه تعاون به معنای اعانه است را نتوانیم ثابت کنیم، حق با مرحوم ایروانی است.

اما در کتاب های لغت تقریباً همه تعاون را به «اعان بعضهم بعضاً» معنی کرده اند:

✓ الصحاح:

«و تعاون القوم، إذا أعان بعضهم بعضاً.»^۲

✓ المصباح المنیر:

«(تعاون) القوم و (اعتونوا) أعان بعضهم بعضاً.»^۳

۱. التواعد الفقهیة (للجنوردی، السید حسن)؛ ج ۱، ص: ۳۶۱

۲. الصحاح، ج ۶ ص ۲۱۶۹

۳. المصباح المنیر، ج ۲ ص ۴۳۹



- ✓ مجمع البحرین:
- «و تعاون القوم: عاون بعضهم بعضا. و اعت.»^۱
- ✓ معجم الافعال المتداولة:
- «تعاون الاصدقاء في سفرتهم (عاون الواحد الآخر)»^۲
- ✓ مفردات الفاظ القرآن:
- «فَاعِينُونِي بِقُوَّةٍ [الكهف / ۹۵]، وَ اعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ [الفرقان / ۴]. وَ التَّعَاوُنُ: التَّظَاهِرُ. قَالَ تَعَالَى: وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ [المائدة / ۲].»^۳
- ✓ المخصص:
- «قد تعاونوا على و اعتنوا - أعان بعضهم بعضاً.»^۴
- ✓ مقدمة الأدب:
- [تعاون] تعاونوا على الامر. يكديگر را یاری دادند.»^۵
- ✓ شمس العلوم:
- «[تعاون]: تعاونوا: أى أعان بعضهم بعضاً، قال الله تعالى: و تعاونوا على البر و التقوى.»^۶
- ✓ كتاب العين:
- «أى: أعان بعضهم بعضاً.»^۷
- ✓ المحکم و المحيط الاعظم:
- «و تعاونوا على و اعتنوا: أعان بعضهم بعضاً»^۸
- ✓ لسان العرب:
- «و تعاوننا: أعان بعضنا بعضاً.»^۹

اما نکته مهم آن است که «بعضهم بعضاً» آیا به معنی یک طرفه است؟ و یا به معنای «یکدیگر را یاری کردن» است که مطابق با همان معنی مورد نظر ایروانی است؟ احتمال دوم اقرب به واقع است چنانکه دهخدا هم به همین معنی اشاره کرده است و چنانکه خواندیم مقدمه الادب هم این واژه را همین گونه معنی کرده بود. مرحوم شعرانی هم به

-
۱. مجمع البحرین، ج ۶ ص ۲۸۵
 ۲. معجم الافعال المتداوله، ص ۵۳۰
 ۳. مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۹۸
 ۴. المخصص، ج ۱۲ ص ۱۵۲
 ۵. مقدمة الأدب، متن، ص ۲۶۸
 ۶. شمس العلوم، ج ۷ ص ۴۸۴۲
 ۷. كتاب العين، ج ۲ ص ۲۵۳
 ۸. المحکم و المحيط الاعظم، ج ۲ ص ۳۶۸
 ۹. لسان العرب، ج ۱۳ ص ۲۹۹

همین مطلب اشاره دارد و می نویسد:

«برگشت تعاون بر برّ و تقوی به اجتماع بر ایمان و عمل صالح بر اساس تقوی است»^۱

مرحوم طباطبایی هم در المیزان تعاون بر برّ و تقوی را به اجتماع بر ایمان و عمل صالح تفسیر کرده است.^۲ پس تمسک به آیه شریفه برای اثبات حرمت اعانه یک نفر به دیگری، کامل نیست.

نکته پایانی:

اینکه گفتیم در روایات دلیلی بر حرمت اعانه بر اثم وارد نشده است، منافات ندارد با اینکه در برخی از روایات «اعانه بر ظلم» تحریم شده است. چراکه ما به دنبال حکم کلی بودیم و لذا روایاتی نظیر آنچه در پی می آید را صرفاً دال بر حرمت بر اعانه بر ظلم به حساب می آوریم:

✓ (۱) «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: إِيَّاكُمْ وَصُحْبَةَ الْعَاصِينَ وَ مَعُونَةَ الظَّالِمِينَ.»^۳

✓ (۲) «و فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ الظُّلْمَةِ - وَ مَنْ لَقَّ لَهُمْ دَوَاةً أَوْ رَبَطَ كَيْسًا - أَوْ مَدَّ لَهُمْ مَدَّةَ قَلَمٍ فَاحْشُرُوهُمْ مَعَهُمْ.»^۴

لاق دواتاً = در جای مرکب (دوات) آنها ليقه (پارچه) بگذارد.

ربط كيساً = نخ به كيسه آنها ببندد.

مدّ لهم مدّة قلم = برای آنها فرو برد قلم را در دوات، یک بار فرو بردن.



۱. نثر طوبی، ص ۲۰۱

۲. المیزان، ج ۵ ص ۱۶۳

۳. وسائل الشیعة؛ ج ۱۷، ص: ۱۷۷

۴. وسائل الشیعة؛ ج ۱۷، ص: ۱۸۰